

## اسن - ارشد یا اصلح

نگاهی به چگونگی انتخاب متولیان موقوفه سادات رضوی

ابوالفضل حسن آبادی

یکی از انواع مهم وقف، وقف اولادی است که کارکردهای زیادی از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشته و افراد زیادی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از آن تأثیر می‌پذیرند. وقف اولادی در مقایسه با سایر انواع وقف، اختصاصات مشترک و وجوه افتراقی است. یکی از مهمترین ویژگی‌های وقف‌های اولادی بحث انتخاب متولی و شرایط لازم برای احراز آن است که در بسیاری از موارد از نکات اختلاف برانگیز در میان اولاد واقف به شمار می‌رود به نحوی که بعضاً این اختلاف سال‌ها طول می‌کشد و علی‌رغم وصیت واقف که دخالت افراد خارج از موقوفه را در امور موقوفه جایز ندانسته، زمینه دخالت سایر افراد را فراهم می‌کرده است. در این مقاله ضمن بررسی چگونگی انتخاب متولیان موقوفه اولادی سادات رضوی، به روند انتخاب متولیان خصوصاً در اواخر دوره قاجاریه پرداخته می‌شود و نحوه عمل به وصیت واقف، اختلافات بین اولاد و دخالت سایر مراجع در این موقوفه به عنوان نمونه‌ای مهم و بزرگ از موقوفات اولادی در کشور بررسی خواهد شد.

### نگاهی کوتاه به تاریخچه سادات رضوی

سادات رضوی از نسل موسی مبرقع (۲۱۵ - ۲۹۶ق) فرزند امام جواد (ع) (۱۹۵ - ۲۲۰ق) از سال ۲۵۹ق وارد ایران شده و در قم ساکن شدند آنها به تدریج با زهد و پرهیزگاری و ارتباط با حکام بزرگ توانستند ضمن نفوذ در میان مردم، قدرت زیادی را به دست آورند به طوری که در قرن چهارم نقابت سادات و سرپرستی آنها را در اختیار گرفتند<sup>۱</sup>. ورود آن‌ها به مشهد از قرن نهم بوده است که دو دسته از آن‌ها در زمان تیموریان وارد مشهد شده<sup>۲</sup> و به تدریج منصب نقابت<sup>۳</sup> و بعدها در زمان صفویه تولیت<sup>۴</sup> آستان قدس را نیز به دست آوردند و این قدرت خود را تا قرن‌ها حفظ کردند. آنچه که امروزه به نام موقوفات سادات رضوی نامیده می‌شود متشکل از سه وقف نامه مجزا می‌باشد که فقط وقف نامه سوم آن باقی مانده است. اولین واقف میرزا غیاث‌الدین عزیز<sup>۵</sup> است که نام وی در انتقال نامه میرزا بدیع، میرزا ابراهیم ذکر شده است، واقف دوم میرزا ابوطالب رضوی (متوفای ۱۰۳۵) است<sup>۶</sup> که املاکی را با شرایط مشخص وقف اولاد ذکور خود کرد که شروط وی و املاکش در حاشیه وقف نامه میرزا ابراهیم ذکر شده است. واقف سوم میرزا ابراهیم رضوی<sup>۷</sup> (متوفای ۱۰۳۷) برادر اعیان میرزا ابوطالب ثانی<sup>۸</sup> (متوفای ۱۰۵۵) است که بیشترین املاک را وقف سادات رضوی کرده است. مهمترین این موقوفات وقف نامه میرزا ابراهیم رضوی می‌باشد اهمیت این موقوفه از آن رو است که با وجود گذشت ۴۰۰ سال از تاریخ آن علی‌رغم مشکلات پیش آمده و فراز و فرودها توانسته ماهیت اصلی خود را حفظ کرده و اهداف واقف را برآورده سازد.<sup>۹</sup>

نکته مورد نظر ما در وقف نامه میرزا ابراهیم رضوی، که در این مقاله بر آن تأکید خواهیم داشت، شرایط واقف در تعیین تولیت، چگونگی انتخاب آن بر اساس وصیت واقف و شرایط مؤثر جانبی در آن است. میرزا ابراهیم در متن وقف نامه در مورد متولی و شرایط آن می‌آورد: «... و تولیت این وقف را مفوض ساخت به نفس خود مادام

حیات و بعد بدرود زندگانی واقف، اگر واقف را پسری به هم رسیده باشد متولی شرعی او بوده باشد و به شرایط وقف عمل نماید و اگر واقف درگذرد و از او پسری به هم نرسیده باشد تولیت موقوفات مذکوره به فرزند اعزّه سبحانه فی مهد العصمة سلیمه بانو طول الله عمرها متعلق است که ده یک بحق التولیه تصرف نموده بعد از آن نصف سفیدبر و تمام سبزی را خود تصرف نماید و نصف سفیدبر را بعد از ده یک حق التولیه بر سایر سادات رضوی ساکن مشهد مقدس ذکور و اناث علی السواء قسمت نماید و اگر در اولاد فرزند اعزّه ذکور به هم رسد بعد از ارتحال او متولی خواهد بود و اگر در فرزندان چند ذکور بوده باشد اسن اصلح ارشد متولی باشد و حق التولیه تصرف نموده تتمه بر فرزندان واقف و بر سادات رضوی همچنان که سابقاً شرح داده شد قسمت نماید به نوعی که رأی متولی اقتضاء نماید و روا نیست هیچ آفریده را از سلاطین عظام ذوی الاقتدار و صدور رفیع القدر عالی مقدار و حکام نصف شعار و متصدیان و ناظران اوقاف را که در معامله وقف مذکور مدخل سازند یا متولی را مکلف سازند که آنچه به سادات رضوی می دهی به وقوف و شهور ما مقسوم ساز یا تفحص و تجسس نمایند که چه مقدار حاصل موقوفات مذکور شده و چه مبلغ و مقدار به فقرا و سادات رضوی رسیده چه مجموع اینها بر رأی متولی باز بسته است و هیچ آفریده را جایز نیست با او...

از مجموع وصیت واقف در مورد انتخاب تولیت چند نکته مستفاد می شود:

۱. تعیین تولیت انفرادی بعد از خود و عدم اختصاص آن به فرد ذکور؛ (این امر دوراندیشی واقف را در حفظ انسجام موقوفه می رساند).
۲. عدم حق دخالت مراجع خارج از موقوفه برای مداخله در امور انتخاب متولیان؛
۳. عدم دارا بودن اولویت در محق بودن برای تولیت در فرزندان متولیان؛
۴. آزادی اختیار عمل در امور موقوفه؛
۵. گذاشتن شرط اسن، ارشد و اصلح در میان ذکور برای انتخاب متولی.

شرط آخری دقیقاً بعدها مورد اختلاف اولاد ذکور واقف قرار گرفته و باعث دخالت مراجع خارج از موقوفه در امر تعیین متولیان که آن هم خلاف نظر واقف بوده شده و دامنه اختلاف بین آن در دوره های مختلف همیشه بر سر این مسأله باقی مانده است. البته واقف شروط کلی برای متولی تعیین کرده ولی مشخص نکرده که آیا لزوم وجود سه شرط برای انتخاب متولی کافی است یا فرد با داشتن دو شرط و حتی کمتر می تواند به تولیت انتخاب شود و یا کدام یک از این سه شرط برای انتخاب متولی مهمتر است اسن، ارشد یا اصلح کدامیک؟

بعد از فوت میرزا ابراهیم رضوی چون وی فرزند پسر نداشت، طبق وصیتش، تولیت به دختر وی سلیمه بانو منتقل شد. ازدواج با پسر عمویش میرزا بدیع رضوی<sup>۱۲</sup> باعث در اختیار قرار گرفتن امور موقوفات در دست او شد چون غیاث الدین فرزندش زودتر فوت کرده بود وی طی انتقال نامه ای اموال موقوفه را به نوه اش میرزا ابراهیم رضوی واگذار کرد که باعث ناخوشایندی دخترش سلیمه بیگم شد. وی بعد از کشته شدن میرزا ابراهیم (۱۱۰۰ق) دعاوی مفصلی را نسبت به فرزندان وی در دربار اصفهان نزد محمدباقر مجلسی مطرح کرد که البته مشخص نیست چه سرانجامی داشته است<sup>۱۳</sup>. نکته اینجاست که میرزا بدیع رضوی بر طبق اسناد حداقل یک پسر دیگر در این زمان به اسم شمس الدین محمد رضوی صاحب کتاب وسیله الرضوان داشته است و در صورت فوت غیاث الدین محمد باید تولیت به برادرش شمس الدین محمد رضوی<sup>۱۴</sup> می رسید نه به فرزند غیاث الدین میرزا بدیع در این جا بحث اسن بودن در انتخاب متولی را نفی کرده است امکان دارد که اقتدار میرزا



ابراهیم رضوی و متولی آستان قدس بودن وی باعث این انتقال شده باشد، یا شمس‌الدین محمد به دلایلی در مشهد حضور نداشته است.<sup>۱۵</sup> وضعیت تولیت بعد از کشته شدن میرزا ابراهیم رضوی معلوم نیست و اطلاعات دقیقی در منابع ذکر نشده است. احتمالاً محمد رضوی ناظر آستان قدس فرزندش به تولیت رسیده است. در شجره طیبیه از فرزند دیگری برای میرزا ابراهیم نام برده نشده، اما در متن سند ادعنامه سلیمه بیگم از فرزند دیگری برای او یاد شده است،<sup>۱۶</sup> بعد از میرزا محمد رضوی میرزا رضی ناظر آستان قدس که دو برادر دیگر به نام میرزا مهدی (تحویلدار) و محمد حسین داشته و سپس فرزند میرزا رضی، میرزا ابراهیم (۱۲۳۳ق) که دو برادر به نام‌های میرزا محمدعلی وکیل و میرزا محمد وزیر داشته به تولیت موقوفات سادات رضوی رسیده است. بعد از میرزا ابراهیم، فرزندش محمدکاظم ناظر و سپس فرزندش صادق رضوی (۱۳۰۰ق) به تولیت رسیدند. چند نکته در مورد انتخاب متولیان از سال ۱۱۰۰ق (کشته شدن محمد ابراهیم رضوی) تا سال ۱۳۰۰ق (فوت محمد صادق رضوی) در موقوفه سادات رضوی قابل توجه است:

۱. افراد انتخاب شده از شاخه ناظری‌ها بوده و سمت نظارت آستان قدس را داشته‌اند.

۲. افراد انتخاب شده همه برادران دیگری نیز داشته‌اند.

۳. اختلاف نظر در انتخاب متولیان وجود نداشته است.

۴. با توجه به نقص اطلاعات اظهار نظر صریحی در مورد این که آیا این افراد واجد شرایط سه‌گانه بوده‌اند، نمی‌توان کرد اما با توجه به این که ناظران آستان قدس از وجه مذهبی و قدرت سیاسی برخوردار بوده‌اند رسیدن تولیت به آنان امری طبیعی به شمار می‌رود و واجد دو شرط ارشد و اصلح بوده‌اند، ارشد به معنی بزرگ فامیل بودن به لحاظ پایگاه اجتماعی و سیاسی و اصلح به معنای جایگاه مذهبی و وجهه شرعی داشتن و اما در مورد اسن بودن نمی‌توان اظهار نظر روشنی کرد. بعد از پذیرفتن تولیت توسط محمدکاظم رضوی (متوفای ۱۳۲۰ق) که ناظر آستان قدس بود تولیت، مورد اختلاف عموهای وی قرار گرفت. میرزا حسن رضوی (متوفای ۱۳۲۹ق) و سید محمد رضوی (متوفای ۱۳۱۵ق) هر دو فرزندان میرزا محسن رضوی (متوفای ۱۳۰۰ق) برادر محمد صادق رضوی بودند که مدعی در دست گرفتن تولیت شدند البته این‌ها چهار برادر دیگر نیز داشتند که به دلایل ذیل اختلاف اصلی بین این دو بود:

۱. هر دو اسن اولاد نسبت به بقیه بودند میرزا حسن رضوی متولد ۱۲۵۳ق اما سید محمد رضوی مشخص نیست اما از بقیه مسن‌تر بوده‌اند.

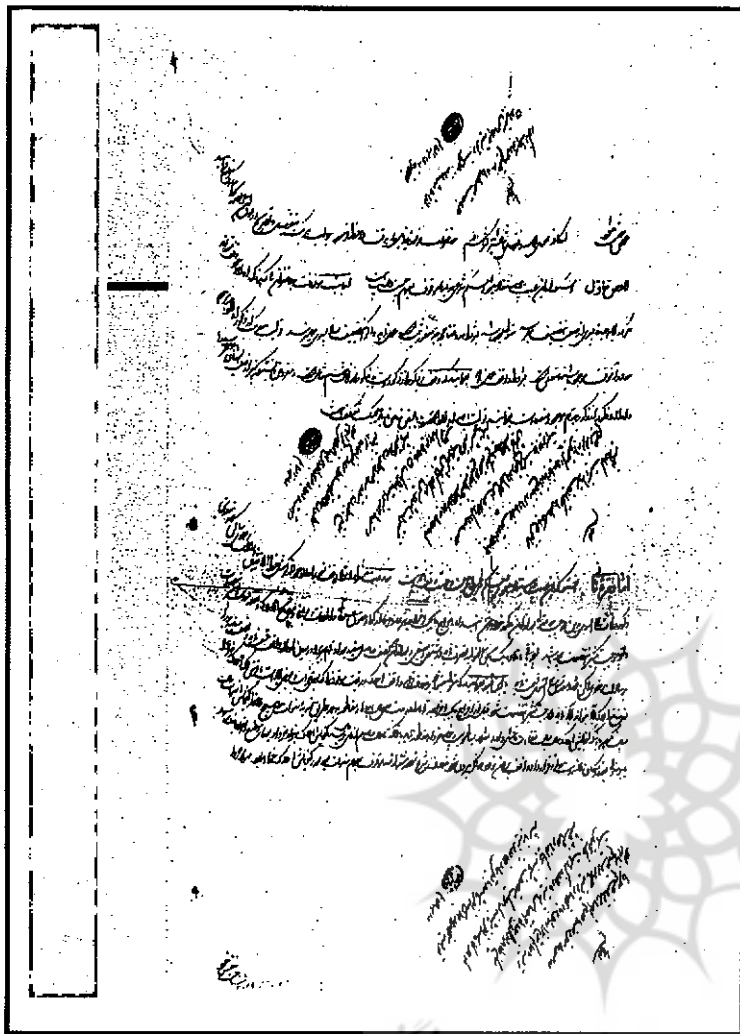
۲. سید محمد رضوی رئیس دفترخانه،<sup>۱۷</sup> در سال ۱۳۰۲ صدر مملکت خراسان<sup>۱۸</sup> و در سال ۱۳۱۱ قائم مقام التولیه آستان قدس شد<sup>۱۹</sup> و سید حسن رئیس کارخانه زواری بود<sup>۲۰</sup> که بعداً وکالت آستان قدس را به دست آورد.<sup>۲۱</sup> این مناصب نشان می‌دهد که هر دو به عنوان ارشد نیز در اولاد مطرح بوده‌اند با این تفاوت که ارتباطات حکومتی سید محمد رضوی بیشتر از میرزا حسن بود و همین عامل که بیشتر به آن خواهیم پرداخت باعث تثبیت تولیت در فرزندان او نیز شد.

۳. چنانچه اصلح بودن را از نظر مذهبی مورد توجه قرار دهیم بعد مذهبی میرزا حسن نسبت به سید محمد بیشتر بوده است.

۴. هر دو با خانواده میرزا محمد صادق رضوی خویشاوند نزدیک بوده‌اند.

شروع دقیق اختلافات مشخص نیست اما بررسی محتوای اسناد نشان می‌دهد که در مورد این که کدام یک





سند شماره ۱۵. فتاوی میرزا نصرالله

از این دو نفر واجد شرایط می باشند اختلاف بین سادات رضوی بروز کرده و دامنه آن به نزد علما کشیده و باعث صدور فتاوی از سوی آنان شده است که در ادامه ابتدا سه مورد از فتاوی علما استنساخ و با استفاده از اسناد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تاریخ دقیق این استفتائات معلوم نیست اما با توجه به محتوا احتمالاً مربوط به همین دوره اختلافات می باشد در هر سه این استفتائات سه سؤال ذیل به صورت مشخص پرسیده شده است:

۱. آیا فرزندان ذکور ذکور می توانند به تولیت برسند یا فرزند ذکور اناث نیز می تواند.
۲. میزان اختیارات متولی در اجاره دادن زمین های وقفی؛
۳. اسن، اصلح و ارشد و اولویت آن برای انتخاب متولی.

با توجه به یکی بودن سؤالات (با تغییرات اندکی در شکل آن ها) در سه سند برای جلوگیری از اطناب کلام یکی از اسناد به طور کامل استنساخ شده و در دو مورد دیگر فقط پاسخهای علما ذکر خواهد شد. هر چند مد نظر ما در این مقاله سؤال سوم است، اما دو مورد دیگر نیز به علت ارتباط با اختیارات متولی، آورده می شود.

[سند شماره ۱]

هو العالم

عرض می شود از کافه علمای امامیه اثنا عشریه کثرهم الله که فقرات مزبوره ذیل را به دقت ملاحظه فرموده، جواب هر یک به تفصیل و تصریح در فوق این عریضه به خط مبارک مرقوم فرمایند.

فقرة اول: آن است که از این عبارت چه مستفاد می شود و حکم شرعی درباره موقوف علیهم چیست و عبارت اینست از بابت موقوفات جد غفران پناه که بر ذکور اولاد خود وقف نموده اند که اگر در ایام حیات پسری از صلب آن ضعیف به هم رسد، متولی بوده باشد به شروط در وقفنامه جزء جد مغفور ثبت است عمل نماید و اگر آن ضعیف را پسری به هم نرسد تولیت به هر یک از ذکور اولاد جد مرحوم که در آن وقت موجود باشند متعهد است به شروط واقف عمل نمایند. بفرمایند که وقف بر ذکور از ذکور است یا به ذکور از اناث هم شامل است و مفروض آن است

که پسر از صلب ایشان به هم نرسیده و اولاد ذکور از ذکور جد هم موجود و متعدد است بفرمایند تولیت با همه اولاد است یا با بعض خاص یا با هیچ یک، تکلیف چیست؟

اما فقره ثانویه آن است که از این عبارت چه مستفاد می شود و حکم شرع مطاع چیست و عبارت وقفنا مچه این است که رقبات مسطوره را وقف نمود بر اولاد خود للذکر مثل حظ الاثین و سادات رضوی ساکن مشهد مقدس، ذکور و اناث علی السوی بدین موجب که متولی بعد از این مذکور خواهد شد ابتدا به اخراج مایجب اخراجه شرعاً و عرفاً از زکوة و حقوق سلطانی و اطلاعات دیوانی و مصالح املاک و نفقه قنوات و تعمیر عمارات و آنچه موجب تکثیر انتفاعات بوده باشد آنچه باقی مانده، ده یک به حق التولیه تصرف نماید در شتوی و صیفی و بعد از آن نصف حاصل سفیدبری او تمام سبزیری را در میان اولاد واقف قسمت نماید و نصف سفیدبری را بر سادات رضوی ساکن مشهد مقدس علی السوی قسمت نماید با این قیود بفرمایند که متولی می تواند بر خلاف قرار واقف، املاک و رقبات موقوفه را، که بعضی آباد و بعضی خراب است با فرض اینکه املاک خراب را از منافع املاک آباد بتوانند آباد نمایند که موجب تکثیر انتفاعات شود قبل از اخراج ما یجب اخراجه تماماً را در مدت سی سال به اجاره و مقاطعه بدهد به طریق تسویه سنوات که هیچ ملاحظه گنجایش سال به سال نکرده با وجود آن که گنجایش سال به سال تفاوت فاحشی دارد مثلاً سالی دو بیست و پنجاه خروار مقاطعه نماید به آن که تا سال سی ام از سی سال برسد گنجایش املاک به هزار خروار بعد از وضع اخراجات برسد یا بر متولی به قدر امکان لازمست از قرارداد واقف برون نرود که اگر بیرون شود، خلاف شرع نموده مشغول ذمه موقوف علیهم سنوات بعد به قدر گنجایش املاک خواهد بود. بینوا تو جروا

فقره ثالثه آن است که از این عبارت چه مستفاد و حکم شرع مطاع لازم الاتباع چیست و عبارت وقفنا مچه این است که تولیت وقف را مفوض ساخت به نفس خود مادام حیاة و بعد از دیر مکانی واقف اگر واقف را پسری به هم رسیده باشد متولی شرعی او بوده باشد به شرایط وقف عمل نماید و اگر واقف درگذرد و از او پسری به هم نرسیده باشد تولیت موقوفات مذکوره به فرزند اعزها الله سبحانه فی مهد العصمة، سلیمه بانو طول الله عمرها متعلق است که ده یک به حق التولیه تصرف نماید و بعد از آن نصف و تمام سبزیری را خود تصرف نماید و نصف سفیدبری را بعد از ده یک حق التولیه بر سادات رضوی ساکن مشهد مقدس ذکور و اناث علی السوی قسمت نماید و اگر در اولاد فرزند اعزها ذکور به هم رسد بعد از ارتحال او آن فرزند ذکر متولی خواهد بود و اگر در فرزند آن چند ذکور بوده باشد اسن اصلح ارشد متولی بوده باشد حق التولیه تصرف نموده، تتمه را بر فرزندان و سادات رضوی همچنان که سابق شرح داده شد قسمت نماید تتمه بفرمایند که با وجود آن که از اولاد آن فرزند ذکور متعدد به هم رسیده و هیچ یک دارای هر سه صفت نیستند اما هر یک دارای یکی از اوصاف ثلاثه می باشند بعضی سه نفر دارای هر سه صفت می باشند تولیت با حاکم شرع است یا با اولاد و علی فرض که با اولاد باشد با هر یک از اولاد است بلا شاعه یا با همان سه نفری که دارای همان سه صفتند بینوا تو جروا ان شاء الله.

پاسخ سؤال اول

بسم الله تعالی

عبارت مسطوره بعد از قول به تعمیم به واسطه ذکور از اناث را است و تولیه اختصاص به بعضی دون بعضی ندارد



والله العالم. سجع مهر (بیضی) نصرالله<sup>۳۳</sup>

پاسخ سؤال دوم

بسم الله

موافق عبارة مسطورة تکلیف متولی این است که اولاً تعمیر اعیان اوقاف مزبوره را از منافع آنها بنماید و اگر چیزی بماند به موقوف علیهم برساند و اگر برخلاف این معمول دارد ضامن است بلی جایز است که به اجاره به ملاحظه غبطة بطون لاحق لیکن باید ملاحظه گنجایش سنوات بشود پس هرگاه گنجایش سنوات لاحق به بیشتر باشد و متولی همه سنوات را یکسان به اجاره بدهد که موجب نفع به بطون مقدمه و ضرر به بطون لاحق باشد. بطون لاحق تسلط بر این جاره خواهند داشت و اجاره مزبوره در حق آنها ممضی نخواهد بود. والله العالم. سجع مهر (بیضی)

نصرالله

پاسخ سؤال سوم

بسم الله تعالی

در صورت مفروضه با عدم انحصار موقوف علیهم عرفاً تولیت با حاکم شرع خواهد بود و با انحصار تولیت با خود موقوف علیهم خواهد بود لیکن ظاهراً از فحوی عبارت اختصاص تولیت به اولاد ذکور است بلکه محتمل است که

هرگاه سه نفر باشند که هر یک متصف باشند به یکی از اوصاف ثلثه تولیت منحصر در همان سه نفر باشد و مابقی را دخلی در تولیت نباشد. والله العالم. سجع مهر (بیضی) نصرالله (سند شماره ۱)

پاسخ های سند شماره ۲

جواب سؤال اول

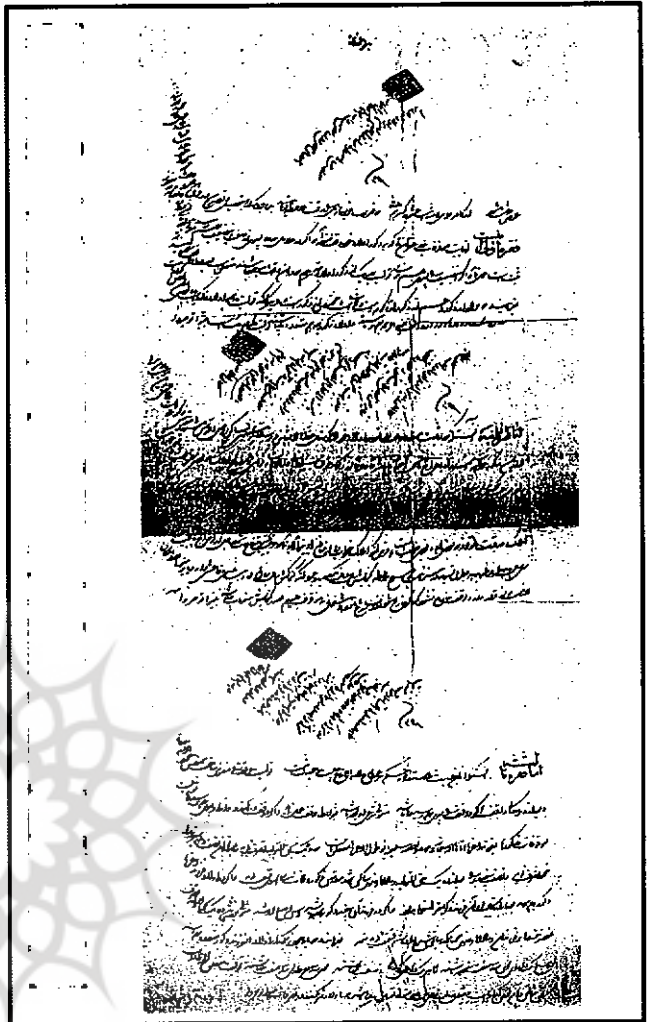
بسم الله تعالی

مقتضای عبارت مسطورة بعد از قول بتعمیم آن بر اولاد اولاد را اختصاص به بعضی دون بعضی نیست. والله العالم به حقایق احکامه.

سجع مهر (مرجع) العبد المذنب احمد رضوی<sup>۳۳</sup>

جواب سؤال دوم:

بسم الله تعالی



سند شماره ۲۵. فتاوی میرزا احمد رضوی

مهما ممکن باید متولی از قرارداد واقف تخلف ننماید لکن بعضی اوقات می شود که للضرورة تخلف جایز است. لکن مع ملاحظه الاقرب فالاقرب بالنسبة الی نظر الواقف و به مجرد تخلف از قرارداد واقف به مسئوله حکم نمود به اینکه این خلاف شرع است و مشغول الذمه است یا حدود امر معلوم شود. والله العالم بحقایق احکامه.  
 مهر (مریخ) العبد المذنب احمد رضوی

جواب سؤال سوم:

بسمه تعالی

ظاهر عبارة مذکوره، اعتبار اوصاف ثلاثة است در متولی که هرگاه فاقد احد اوصاف بوده باشد متولی نخواهد بود و در صورت مزبوره مثل حال ملک بلا متولی است هرگاه اشعار نداشته باشد عبارت مذکوره که تولیت باید در اولاد بوده باشد. والله العالم به حقایق احکامه.

سجع مهر (مریخ) العبد المذنب احمد رضوی

[پاسخ‌های سند شماره ۳]

جواب سؤال اول:

بسمه تعالی

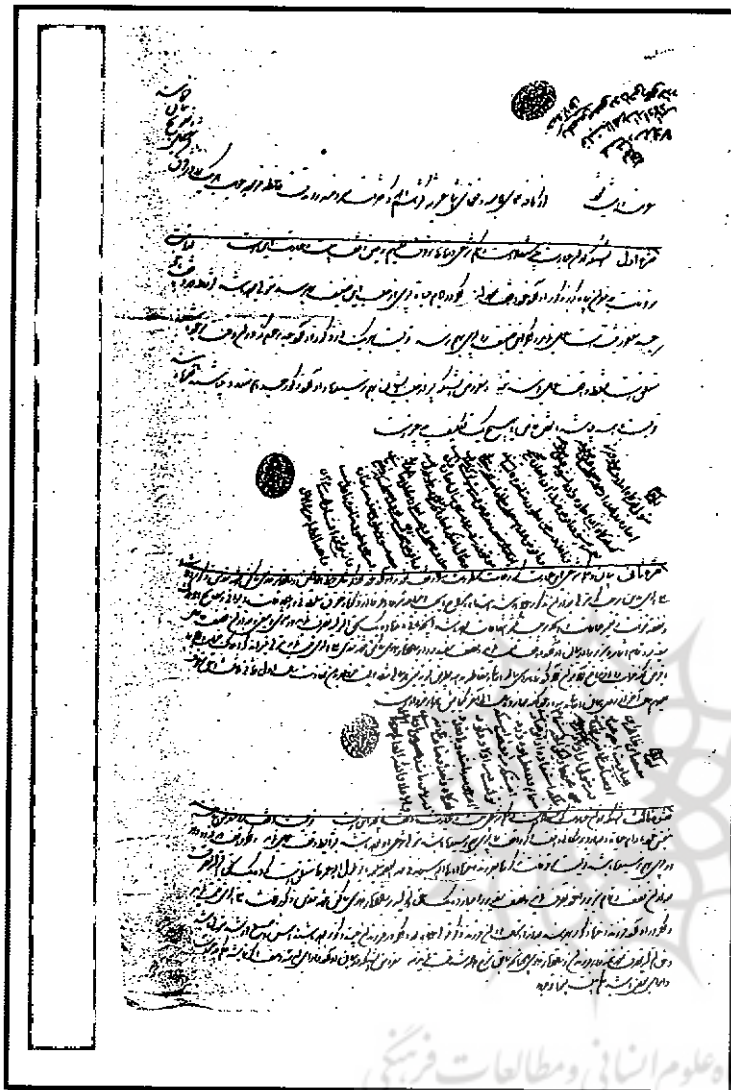
به حسب عبارت مرقومی تولیت با هر یک از اولاد است و اختصاص ببعض دون بعض ندارد. حرره الاقل سجع مهر (بیضی) محمد صادق الحسینی الطباطبایی<sup>۳۳</sup>

جواب سؤال دوم:

بسم الله تعالی

اجارة مفروضه با فرض مسطور [ناخوانا] لازم است بر متولی که بعد از اخراج ما یجب اخراجه و تعمیر رقبات موقوفه تغییر نماید چنانچه مفاد خسارت مزبوره است و یا قیود مزبوره خلاف شرع نموده است و ضامن است و اجارة مفروضه با فرض مسطور باطلست زیرا که [ناخوانا] ثلث مطلقاً بر صحت بروجهی در حق بطون متأخره نافذ نیست و از برای ایشانست والله العالم. سجع مهر (بیضی) محمد صادق الحسینی الطباطبایی

سند شماره ۳. فتاوی محمد صادق طباطبایی



جواب سؤال سوم:

بسمه تعالی

مقتضای ظاهر این عبارت اعتبار اوصاف ثلاثه مزبوره است در متولی از اولاد ذکور آن مرحومه است ولیکن آنچه استشمام بلکه استفاده از این عبارت می نمایم و در نظر قوه دارد مراد واقف این است که تولیت در اولاد ذکور آن مرحومه باشد و با تعداد اولاد ذکور هر گاه واجد اوصاف ثلاثه در بین باشد به خصوص به او باشد والا مشترک مابین همه باشد والله العالم. حرره الاقل سجع مهر (بیضی) محمدصادق حسینی طباطبایی دو سؤال اول و سوم مرتبط با موضوع مقاله است.

سؤال اول در مورد این که آیا تولیت اختصاص به خانواده خاصی از سادات ذکور دارد یا خیر که همه پاسخها تأکید بر عدم اختصاص دارد و این مسأله با توجه به این که تولیت در نسل ناظرها تا زمان اختلاف ۱۳۰۰ق (به بعد) و بعداً در نسل قائم مقامی ها (۱۳۰۰ق - ۱۳۵۷) باقی می ماند جای بحث دارد اما باید در نظر داشت که در متن وقف نامه بر نبودن متولی از یک نسل صریحاً ذکر نشده که خلاف آن نیز با نص وقف نامه مغایر باشد.

در سؤال سوم که از علما در باب وجوب شروط متولی آمده بر چند نکته تأکید شده است:

۱. آیا فرد می تواند با یکی از شروط تولیت را بر عهده بگیرد؟
۲. کدام شرط از اهمیت بیشتری برای دارا بودن صلاحیت برخوردار است؟
۳. در صورت نبود فرد شایسته تکلیف اداره موقوفه چیست؟
۴. برخلاف نظر واقف آیا چند نفر می توانند موقوفه را به صورت مشترک اداره نمایند؟

فتاوی داده شده سه دیدگاه متفاوت را برای این کار ارائه می دهند که هر یک شایسته بررسی است. میرزا احمد رضوی قائل به وجوب سه صفت (اسن ارشد اصلح) برای متولی شده و آورده که در غیر آن کسی نمی تواند متولی باشد هر چند که در آخر فتوی دقیقاً بر ارجحیت هر یک از شروط و تکلیف موقوفه در نبود فرد واجد شرایط اشاره نکرده است. (سند شماره ۲)

محمدصادق حسینی در فتوای خود مانند میرزا احمد رعایت احتیاط نکرده و اشاره بر وجوب سه شرط برای متولی دارد و در صورت نبود فرد دارای شرایط تولیت به صورت اشتراکی بوده باشد، میرزا نصرالله نیز به شرط واقف در تعلق تولیت به اولاد ذکور خود اشاره کرده و آورده که چنانچه سه نفر هر یک دارای یکی از صفات باشند به صورت مشترک متولی باشند پاسخ وی از وضوح بیشتری نسبت به میرزا صادق برخوردار بوده و حداقل در مورد نحوه اشتراک توضیحات بیشتری داده است (سند شماره ۱). با وجود ضعف منابع نمی توان گفت این فتاوی چه تأثیری در انتخاب متولیان سادات رضوی داشته است اما به احتمال زیاد فتوای میرزا نصرالله در تولیت بیش از یک نفر بر موقوفه انجام شده است و بین سید محمد رضوی و میرزا حسن ناظم، امور موقوفه تا سال ۱۳۱۵ تقسیم شده است. بعد از فوت سید محمد رضوی در سال ۱۳۱۵ق مجدداً دامنه اختلافات بین محمد علی رضوی فرزند سید محمد و میرزا حسن بالا گرفته است. فوت وی در رجب ۱۳۱۵ق و صدور حکم مظفرالدین شاه در واگذاری منصب قائم مقام التولیه و سرپرستی سادات رضوی سه ماه بعد در شوال همان سال بوده است. (سند شماره ۴) این حکم بدعتی در تاریخ متولیان موقوفات سادات رضوی بوده است زیرا تا قبل از آن سابقه نداشته که پادشاهی رسماً تولیت موقوفات سادات رضوی را مشخص نماید. هر چند با این حکم تولیت محمد علی رضوی بر موقوفه تثبیت می شود اما باید توجه داشت که سن میرزا حسن ناظم نسبت به محمد علی





قائم مقام بیشتر بوده و چنانچه به شرط متولی عمل می شده از نظر اسن بودن وی رجحان داشته است و در مورد دو شرط دیگر اختلاف وجود داشته است، در سندی که در رمضان همان سال در دست آمده که بین میرزا حسن رضوی و محمدعلی قائم مقام بر سر تولیت بحث بوده و دو طرف بین یکدیگر توافق کرده اند که کلیه امور موقوفه در اختیار قائم مقام باشد و مزرعه شترپا در اختیار میرزا حسن باشد و کارهای قائم مقام با اطلاع میرزا حسن باشد که به نوعی شیخویت برای وی قائل شده است (سند شماره ۵). محتوای سند بیانگر آن است که میرزا حسن ریاست محمدعلی رضوی را بر موقوفه پذیرفته است و محمدعلی رضوی نیز بر بزرگتر بودن میرزا حسن اشعار داشته و نظارت او را بر کارها قبول کرده است، این تقسیم اختیارات تا سال ۱۳۲۰ق که میرزا حسن رضوی فوت نمود، پایدار بوده است و بعد از آن قدرت به طور کامل در اختیار قائم مقام قرار گرفته است هر چند فرزند میرزا حسن به نان میرزا یحیی رضوی ادعای تولیت داشته است. میرزا یحیی فرزند میرزا حسن رضوی در این زمان رئیس کارخانه زواری و وکیل آستان قدس بوده و نسبت به پسر عموی خود محمدعلی رضوی جوان تر بوده است. اسنیت و ارشدیت قائم مقام در این زمان بیشتر بوده اما در مورد شرط اصلحیت بوده که بین دو نفر بعداً گفتگویی در گرفته است. اولین سندی که از اختلاف بین این دو بر سر تولیت موقوفه بحث می کند به سال ۱۳۲۹ق یعنی نه سال بعد می باشد. البته این مدت دوره شکل گیری مشروطه و اختلافات بین مشروطه خواهان و مخالفان آنها بوده و شاید این امر سرپوشی بر اختلافات بوده است. در سندی که به سال ۱۳۲۹ در دست است آمده که تولیت سادات رضوی با اسن، اصلح و ارشد اولاد است و در آن زمان (۱۳۲۹) کسی واجد شرایط ثلاثه نیست و داشتن دو وصف از سه صفت شرط شده متولی کفایت می کند. البته مشخص نشده کدام دو وصف در این زمینه اصل بوده و باید رعایت گردد و میرزا یحیی رضوی را واجد شرایط معرفی کرده است. البته از ناکارآمدی قائم مقام و ظلم و اجحاف و عدم پایبند بودن به شروط متولی نیز یاد شده است (سند شماره ۶). در این سند که سواد آن به دفترخانه اداره تازه تأسیس اوقاف فرستاده شده است یک مسأله رعایت نشده و آن اینکه بر طبق شرط متولی هیچ کس حق دخالت در کار متولی را ندارد و او به هیچ کس پاسخگو نیست.

در سند دیگری به سال ۱۳۳۰ق باز ذکر شده بعد از فوت محمدصادق رضوی کسی که واجد اوصاف ثلاثه باشد وجود نداشته و چون علما نیز دارا بودن دو صفت از سه صفت را کافی برای احراز تولیت دانسته اند (اصلح و ارشد) و اسن بودن مدرک نبوده میرزا حسن به این سمت انتخاب شده و تا سال ۱۳۲۰ق نیز عهده دار بوده که البته با توجه به مدارکی که قبلاً ارائه شده به طور کامل صحیح نیست. این سند که به وسیله محمدجعفر حسینی مهر شده اختیارات کامل موقوفه را به میرزا یحیی واگذار نموده و از قائم مقام خلع ید کرده است (سند شماره ۷). این کشمکش چنین می رساند که پایگاه میرزا یحیی مذهبی بوده و پایگاه قائم مقام بیشتر مایل به حکومت بوده است. البته باید در نظر داشت که دخالت هر دو پایگاه قدرت در آن زمان بدون در نظر گرفتن متن وقف نامه و شرایط واقف کار صحیحی نبوده است. در مورد این که آیا دامنه اختلافات قائم مقام و میرزا یحیی بالا گرفته و ادامه پیدا کرده اطلاعی در دست نیست اما می توان حدس زد که قائم مقام تا زمان فوت (۱۳۱۷) این سمت را در اختیار داشته است.

بعد از فوت قائم مقام فرزندش میرزا ابوطالب رضوی به تولیت رسیده است. در زمان انتخاب وی افراد دیگری از سلسله نیز متقاضی تولیت بودند که نهایتاً وی انتخاب شد. میرزا ابوطالب در ۱۳۳۷ فوت نمود و برادرش یحیی مشار قائم مقامی با حکم شاه بدین مضمون انتخاب گردید.

چون به مناسبت فوت ابوطالب قائم مقامی متولی موقوفات سادات رضوی، لازم بود برای ترتیب و نظم امور موقوفات مزبوره یک نفر تعیین گردد علی هذا نظر به مراتب لیاقت و صداقت عیسی قائم مقام رضوی به موجب این دستخط مشارالیه را به سمت تولیت موقوفات رضوی منصوب و مقرر می داریم طبق مقررات وقف نامه مربوطه در انجام وظایف محوله اقدام کند. ۱۱ فروردین ۱۳۳۷

این دومین باری است که بالا ترین قدرت کشور در اداره امور یک موقوفه اولادی دخالت می کند و اعتراضات زیادی را در میان سادات رضوی برانگیخت. دخالت شاه در امور موقوفه اولادی که زیر نظر اوقاف بود تا حدودی محل سؤال بود و البته ارتباط مشار از طریق همسرش با دربار را نباید نادیده گرفت و گرنه حداقل برادر او موسی قائم مقامی از لحاظ سنی بر او ارجح بود و ارتباطات حکومتی نیز داشت. خود مشار در سال ۱۳۴۰ مدتی شهردار مشهد بود. وی تا سال ۱۳۵۷ و انقلاب تولیت باقی ماند دوران بعد از انقلاب نیز اختلافات بر سر انتخاب متولی سادات رضوی ادامه پیدا کرد و با این تفاوت که دادگاههای انقلاب در این زمینه حکم صادر می کردند و بعد از انقلاب نیز هیچ متولی با توافق بین سادات انتخاب نشد.

از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ حسین بدیعی رضوی با حکم دادگاه متولی شد. وی در این زمان شاید اسن ترین فرد بود اما در شرایط دیگر محل تردید بوده است. بعد از دو سال اختلاف که موقوفه در اختیار اوقاف بود سال ۶۷ تا ۸۱ محمد سطوتی به عنوان متولی بود و از سال ۸۲ آقای محمد تقی بدیعی به این سمت انتخاب شد. آقای بدیعی نیز در زمان انتخاب در شمار اسن ترین افراد به شمار نمی رفت بلکه دادگاه سایر شرایط را لحاظ کرده است، وی هم اکنون به عنوان متولی مشغول به کار می باشد.

### نتیجه گیری

در بررسی اجمالی سیر انتخاب متولیان موقوفه سادات رضوی، سه دوره متمایز وجود دارد:

۱. دوره ای که تولیت به صورت موروثی بین یک خانواده منتقل می شده است و بین سال های ۱۱۱۰-۱۳۰۰ ادامه داشته است هر چند ارثی بودن دلیلی بر عدم کفایت متولیان این دوره نبوده است و میرزا محمد رضوی ناظر، میرزا رضی رضوی ناظر، میرزا ابراهیم رضوی ناظر، میرزا محمد کاظم رضوی ناظر و میرزا محمد صادق رضوی ناظر (۱۳۰۰ق) در زمره این متولیان بوده اند.

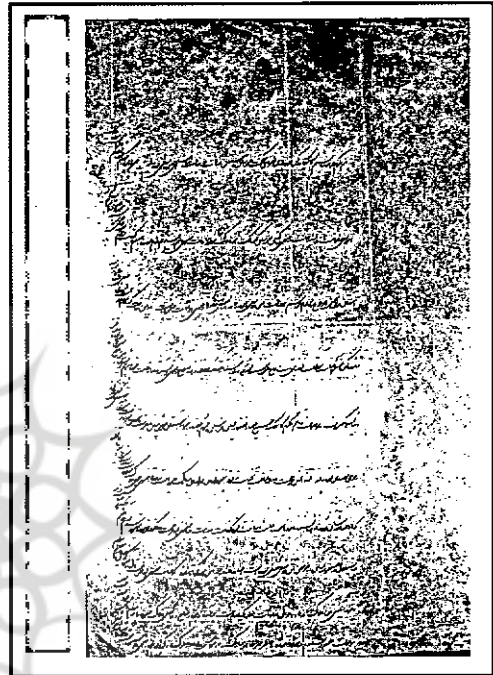
۲. دوره ای (۱۳۰۰ق-۱۳۵۷ش) که اختلاف بین بزرگان سادات رضوی بوده و ارتباطات حکومتی در کنار سایر شرایط در انتخاب متولی تأثیر داشته است این دوره نیز تولیت نه مانند دوره قبل اما از پدر به پسر به ارث می رسیده و اختلافات نیز ریشه دار و عمیق بوده است تولیت این دوره در اختیار خانواده قائم مقامی ها بوده است سید محمد رضوی (۱۳۰۰-۱۳۱۵ق)، محمد علی رضوی (۱۳۱۵ق-۱۳۱۷ش)، میرزا ابوطالب رضوی (۱۳۱۷-۱۳۳۷ش)، عیسی قائم مقام رضوی (۱۳۳۷-۱۳۵۷ش) از این خانواده بوده اند.

۳. دوره سوم (۱۳۵۷-۱۳۸۶) که اختلافات بین خانواده های سادات رضوی به وجود می آید و در تمام آنها دادگاه به عنوان مرجع صالح رسیدگی کرده و حکم می دهد سید حسین بدیعی رضوی (۱۳۶۲-۱۳۶۵)، سید محمد سطوتی رضوی (۱۳۶۸-۱۳۸۱) و محمد تقی بدیعی رضوی (۱۳۸۲-۱۳۸۶) از متولیان این دوره هستند در دوره قبل هر چند که اختلاف بین سادات بوده اما موقوفه هیچ گاه بدون متولی نبوده است در حالی که در دوره اخیر به علت اختلافات بین سادات رضوی و طولانی شدن روند بررسی دادگاه در فواصل زمانی اوقاف به عنوان متولی اقدام می کرده است. در مجموع به غیر از دوره اول که بر اساس وصیت واقف عمل می شده در سایر موارد دخالت از بیرون بر خلاف نظر بوده است. همچنین به غیر از دوره اول چنین می نماید که هیچ گاه سه شرط واقف (اسن، ارشد و اصلح بودن) با هم در انتخاب متولی لحاظ نشده است و اکثرأ دو شرط آخر منطاب اعتبار برای متولی بوده و بعضاً با دخالت عوامل بیرونی یک شرط ملاک بوده است.

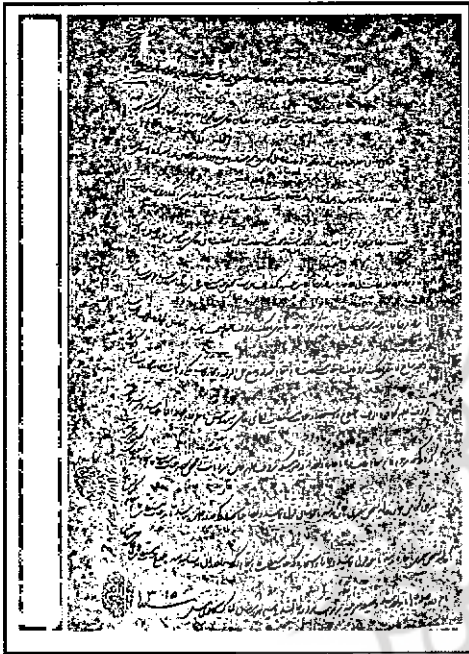
به علت اهمیت موقوفه‌های اولادی در سرنوشت خانواده‌ای برخوردار از آن بررسی روند تولیت موقوفه‌های اولادی که متولی خاص دارند از مواردی است که جای پژوهش زیادی دارد و می‌توان در باب اهمیت متن وقف‌نامه‌ها و چگونگی عمل به آن تحقیقات زیادی کرد و امید است این متن بتواند فتح بابی در این زمینه باشد.

### ضمایم

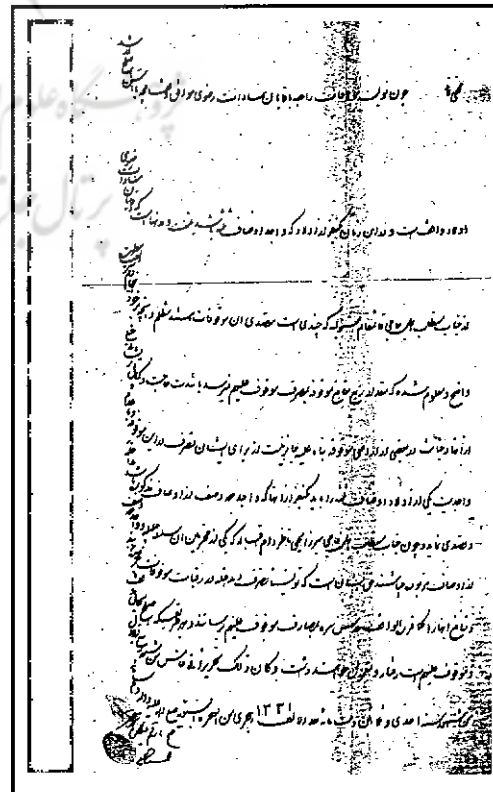
سند شماره ۴.  
حکم مظفرالدین  
شاه قاجار در  
واگذاری تولیت  
موقوفات سادات  
رضوی به  
محمدعلی رضوی



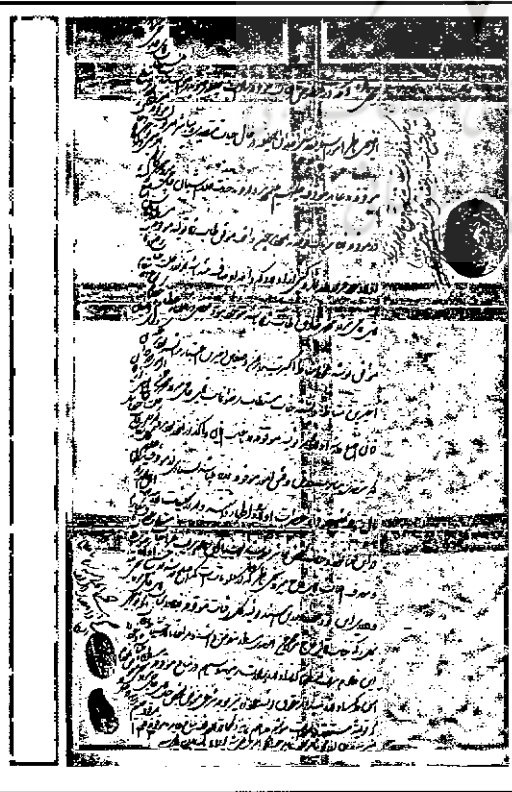
سند شماره ۵.  
تقسیم اختیارات  
موقوفه‌بین  
محمدعلی رضوی  
و  
میرزا احسن ناظم



سند شماره ۶.  
تأیید صلاحیت  
میرزا یحیی  
رضوی برای  
تولیت موقوفات  
سادات رضوی



سند شماره ۷.  
تأیید میرزا  
یحیی رضوی به  
عنوان اصلح و  
ارشد اولاد برای  
تولیت موقوفه  
سادات رضوی



پی نوشتها

۱. حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی عبدالملک قمی، تصحیح سید جلال الدین تهرانی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۱۵.
۲. پس از اخراج موسی مبرق از قم، وی به کاشان رفت و آنجا در مورد توجه احمدین [عبدالله] عزیزبن دلف العجلی قرار گرفت و هر سال هزار مثقال طلا و یکسر اسب مدرج بدو داد و بعد از بازگشت به قم اعراب نیز برای او چندسهم از قریه هنبر در اندریقان و کارجه و بیست هزار درهم به او دادند، تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، ص ۲۱۵.
۳. همان، ص ۲۱۸.
۴. در قرن نهم دو دسته از سادات رضوی وارد مشهد شدند، یکی میرزا شمس الدین محمد رضوی بود که از قم به مشهد آمد و به شغل تدریس در شهر مشغول شد. فرزندان وی در مشهد ماندگار شدند و توانستند مقامات مهمی از جمله سیادت و نقابت سادات و تولیت آستان قدس را به دست آورد و میرزا ابراهیم رضوی و فرزندان وی از نسل شمس الدین محمد رضوی هستند. غیاث الدین بن همام الدین حسینی، خواندمیر، تاریخ حبیب النیر فی حقایق اخبار البشر، کتاب فروشی خیام، ۱۳۵۳، ج ۴، ص ۳۴.
- نفر دوم: رضی الدین محمد بن علی است که در زمان سلطان حسین بایقرا به مشهد آمد و به شغل تدریس پرداخت. پسرش میرزا محسن رضوی در زمره بزرگان و علمای شهر بود. عبدالرزاق، کمونه حسینی، موارد الاتحاف فی نقباء الاشراف، نجف، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۹.
۵. نقابت به معنی رهبری و پیشوایی قوم، مقامی بود که در زمان مستعین، خلیفه عباسی به وجود آمد. اولین فردی که به مقام نقابت رسید احمد بن محمد بن یحیی بن ذی الدمه بود که در سال ۲۵۱ق از مستعین درخواست تعیین نقیب برای سادات نمود. نقیب وظیفی از جمله حفظ نسبت خاندان داشت. علی اصغر فقیهی، تاریخ مذهبی قم، انتشارات اسماعیلیان، قم، ج ۱، ص ۱۰۶. نقباء در مجموع تعامل دوجانبه بین جامعه سادات و حکام عصر داشتند و در سایه این ارتباط توانستند موقعیت سیاسی، اجتماعی و تمکن مالی به دست آورند. سادات رضوی از قرن سوم نقابت سادات را در ایران ابتدا در قم و پس از آن در قرن نهم به بعد در مشهد بر عهده داشتند.
۶. تولیت آستان قدس سرپرستی موقوفات امام رضا (ع) را از طرف شاه عصر بر عهده داشته است و از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مقام مهمی در مشهد محسوب می شده است. اولین کسانی از سادات رضوی که مقام تولیت را به دست آوردند عبارتند از: سید علی رضوی (۹۷۱-۹۷۴ق)، ابوطالب رضوی (۱۰۳۱-۱۰۳۵ق)، میرزا محسن رضوی (۱۰۵۵-؟)، محمد باقر رضوی (۱۰۵۵-۱۰۷۴ق)، میرزا بدیع رضوی (۱۰۷۴-۱۰۷۷ق)، تقی الدین محمد رضوی (۱۰۷۷-۱۰۹۳)، محمد ابراهیم رضوی (۱۰۹۵-۱۱۰۰ق)، شمس الدین محمد رضوی (۱۱۳۵-۱۱۴۱ق)، محمد تقی رضوی (۱۱۴۱-۱۱۴۳ق)، محمد ابراهیم رضوی (۱۱۴۳-۱۱۴۷ق) و ۱۱۶۰-۱۱۶۶ق، عبدالحی رضوی (۱۱۵۳-۱۱۵۶ق). برای اطلاع بیشتر در مورد متولیان آستان قدس نگاه کنید به ابوالفضل حسن آبادی، متولیان آستان قدس در دوره صفویه و افشاریه، دفتر اسناد، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۵.
۷. غیاث الدین عزیز فرزند شمس الدین محمد رضوی جزء نقبای سادات در عصر خود محسوب می شده و اولین واقف سادات است. از وقف نامه وی اثری در دست نیست.
۸. میرزا ابوطالب رضوی واقف دوم موقوفات سادات رضوی از اعیان و نقبای سادات رضوی، املاکی را وقف اولاد ذکور خود کرده است. اسکندربیک منشی، عالم آرای عباسی، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران: ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۰.
۹. میرزا ابراهیم رضوی از اعیان و اکابر مشهد محسوب می شد. در سال ۱۰۲۸ق املاک زیادی را برای سادات وقف کرد. برای اطلاع بیشتر در مورد موقوفات رضوی ن. ک به: محمد باقر رضوی، شجره طیبه، تصحیح مهدی سیدی، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۴.
۱۰. میرزا ابوطالب ثانی برادر اعیانی میرزا ابراهیم رضوی جزء بزرگان سادات و متولی آستان قدس بین سال های ۱۰۳۱-۱۰۳۵ بوده است. اسکندربیک ترکمان، عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۱۷۶۳.
۱۱. برای اطلاع بیشتر در مورد وضعیت فعلی موقوفات سادات رضوی و نیز سادات رضوی و افراد سهم بر از موقوفات نک به مهدی سیدی، «سادات رضوی مشهد»، مجله وقف میراث جاویدان، سال نهم، شماره ۲، ۱۳۸۰، ص ۸۹-۹۰.
۱۲. میرزا بدیع در سال ۱۰۷۴ق بعد از فوت محمد باقر رضوی به تولیت رسید و تا سال ۱۰۷۷هجری/۱۶۶۶ میلادی متولی بود.
۱۳. ابوالفضل حسن آبادی، معرفی طوماری از علامه مجلسی در باب موقوفات سادات رضوی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال چهاردهم، بهار ۱۳۸۵، ص ۸۶-۱۰۰.
۱۴. محمد باقر رضوی، شجره طیبه، ۹۱.
۱۵. عبدالحسین، خاتون آبادی، وقایع السنین و الاعوام، تصحیح محمد باقر بهبودی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲، ص ۵۳۲.
۱۶. ابوالفضل حسن آبادی، معرفی طوماری از علامه مجلسی در باب موقوفات سادات رضوی، ص ۸۹.
۱۷. محمد باقر رضوی، شجره طیبه، ۲۲۳.
۱۸. غلامحسین خان زند شیرازی، زادالمسافر، نسخه خطی شماره ۶۲۲ کتابخانه ملک، ص ۲۷۳.
۱۹. محمد باقر رضوی، شجره طیبه، ص ۲۲۱.
۲۰. همان، ص ۲۱۶.
۲۱. ابوالفضل حسن آبادی، «سادات رضوی در مشهد»، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۹، ص ۲۷۰.
۲۲. در مورد میرزا نصرالله اطلاعاتی به دست نیامد پسر وی میرزا عبدالرحمان مدرس نویسنده کتاب تاریخ علمای خراسان است.
۲۳. میرزا احمد رضوی (متوفای ۱۳۱۲ق) از بزرگان سادات رضوی و علمای بزرگ خراسان و مورد رجوع مردم در کارها بود. آقابزرگ تهرانی، الکرام البرره، نشر دارالمعرفتی، مشهد، ۱۴۰۳، ص ۱۱۵-۱۱۶.
۲۴. در مورد محمد صادق حسینی طباطبایی اطلاعاتی به دست نیامد.